

باسمه تعالی

استاد ارجمند جناب آقای دکتر چشمه سهرابی

با عرض سلام و ادای احترام و تشکر از لطف جنابعالی، بسیار متأسفم که نمی‌توانم در «دومین کنفرانس سنجش و ارزیابی علم» حاضر شوم. دیروز صبح به بیانات شما در تلویزیون گوش کردم. حق مطلب را در مورد ارزیابی علم در کشور ادا کردید. با شنیدن گفتار شما یقین کردم که کنفرانس شما در زمره کنفرانس‌ها و سمینارهایی نیست که هر ماه و هر هفته اینجا و آنجا تشکیل می‌شود و در آنها حرف‌های تکراری و خطابی و تشریفاتی به زبان می‌آید. کاری که شما می‌کنید حتی اگر اثر مستقیم در اصلاح سیاست رسمی علم کشور نداشته باشد، تذکری است به دانشمندان و دانشگاهیان که زمینه‌ساز پیوند میان علم و جامعه نیز می‌تواند باشد.

این ضایعه زشت تقلب در کار علم و خرید و فروش مقاله و پایان‌نامه و دزدی آنها را جز با تجدید نظر در سیاست علم و اصلاح آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به ارزیابی علاج نمی‌توان کرد. وقتی عدد مقالات به هر قیمت باید افزایش یابد و ملاک اعتبار مقاله و کتاب، چاپ آن در نشریات و مراکز خاص علمی است و رسیدگی به عمق مطلب و صحت و سقم مضمون منتفی می‌شود، علم تا حد یک امر عادی اداری تنزل می‌یابد و شرایط برای تقلب فراهم می‌شود. در دانشگاه، استادان درباره کار و بار یکدیگر حکم نمی‌کنند و از هیچ استادی درباره همکاری و آثاری که پدید آورده‌اند، پرسش نمی‌شود زیرا ملاک ترقی و ارتقاء در مراتب دانشگاهی باید امری باشد که در آن اختلاف نتوان کرد. این امر از آن رو موجه است که تعداد مقالات ملاکی ابژکتیو است و حب و بغض نیز در آن دخالت ندارد. مقاله نوشتن کار خوبی است، اما مقاله‌ای که یک دانشجو یا استاد می‌نویسد و دوستان و همکارانش از آن خبر ندارند و آن را نمی‌خوانند و یک مرجع اداری با موازین اداری درباره آن حکم می‌کند، شاید

در جهان علم، هیچ جایی پیدا نکند. از لوازم و نتایج این وضع این است که بعضی از اهل فضل بخصوص آنان که آب و نانشان تأمین نیست، به شغل فروش مقاله رو آورند.

در شرایطی که همه زندگی آدمیان را فضای مجازی فرا گرفته و پر کرده است و در عین حال علم و تکنولوژی از هم جدا مانده و شاید به دشواری بتوان پذیرفت که علم و پژوهش برای تبدیل آن به مقاله و چاپ کردنش در این یا آن نشریه نیست. علم و بخصوص علم تکنولوژیک علم دگرگون‌ساز زندگی است. اگر کشورهای توسعه‌یافته از نیم قرن پیش به این طرف برای حفظ مرز میان بازار و دانشگاه به مقاله نوشتن اهمیت دادند، ما که بازارمان با دانشگاه هیچ سر و کاری ندارد، باید ارتباطی میان زندگی و پژوهش برقرار کنیم و اگر چنین کنیم علم پیش می‌رود. علم در هر کشوری وضع خاص دارد و سیاست علم چیزی نیست که در جایی آن را تدوین کنند و قاعده‌ای برای پیروی همه جهان شود. ما سیاست علم کشور را خودمان باید تدوین کنیم. این سیاست باید ناظر به ورود و وجود علم در زندگی و در کار و بار نهادها و سازمان‌ها و در مناسبات مردمان باشد. البته دانشمندان ممتازی که در مرز علم، پژوهش می‌کنند، تابع احکام سیاست علم نیستند. آنها آزادند به هر پژوهشی که می‌خواهند بپردازند اما سازمان علم کشور و دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها باید برنامه علم داشته باشند. اینکه هر کس بنا بر ذوق و میل خود به پژوهشی بپردازد که مسئله‌ای از مسائل کشور و جامعه را هم حل نمی‌کند، هر چند که نشان آزادی دانشمند است، شاید علم را به تفنن مبدل کند و در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که بیشتر دلیل نبودن سیاست علم است. سیاست علم این نیست که به دانشمند بگویند چند مقاله بنویس. سیاست علم باید دعوتی باشد که دانشمندان را به همراهی و همکاری و همفکری برای یافتن مسائل و طرح آنها و جهد و سعی در پژوهش برای یافتن پاسخ مسائل برانگیزد. سیاست علم برنامه آشتی‌دادن میان علم و جامعه است. پیداست که تدوین این سیاست و برنامه آسان نیست و در شرایطی که مدت‌ها علم و جامعه با هم بیگانه بودند، نمی‌توان به صرف وضع آیین‌نامه و صدور دستورالعمل این مهم را انجام داد و اگر کار به این آسانی انجام می‌شد، تا این زمان اتفاق افتاده بود.

در هر صورت اگر طالب پیشرفت باشیم باید تلقی خود را از علم تغییر دهیم. در کشورهای در حال توسعه، علوم انسانی کارسازترین علومند و اگر نباشند و بخصوص اگر دانشمندان رشته‌های دیگر خود را قائم‌مقام دانشمند علوم اجتماعی بدانند، دشواری‌ها بیشتر می‌شود. پژوهش باید پاسخی به تقاضا و طلب باشد. ما به درستی نمی‌دانیم چه تقاضا و طلبی علم ما را راه می‌برد. البته تکلیف پزشکی تا حدی روشن است اما در رشته‌های دیگر و حتی در مهندسی و کشاورزی نمی‌دانیم کشور و سازمان‌های دولتی و خصوصی تا چه اندازه از امکان‌ها و نیازهای کشور خبر دارند و اگر دارند چرا مسائلمان را به دانشمندان عرضه نمی‌کنند و دانشمندان برای یافتن مسائلی که در صنعت و کشاورزی وجود دارد و یا می‌تواند وجود داشته باشد، نمی‌کوشند.

مختصر بگویم تا وقتی که ملاک پیشرفت علم، ملاک صوری و کمی است علم، علم تقلیدی است. برای خروج از این وضع دانشمندان باید خود را در برابر علم مسئول بدانند و به صرف ادای وظیفه رسمی اکتفا نکنند و مخصوصاً بر دانشمندان علوم اجتماعی فرض است که تحقیق کنند که چرا با اینکه بیش از هشتاد سال از عمر دانشگاه در کشور می‌گذرد، علم از حصار دانشگاه بیرون نیامده و با زندگی و کار و بار و شغل مردمان نیامیخته است و چه شرایطی برای ورود کشور در راه توسعه هماهنگ، باید فراهم شود و ... دانشگاه‌ها و سازمان‌های ناظر به آموزش و پژوهش هم باید بکوشند نظر جامع و کلی درباره علوم و یگانگی و پیوستگی و تناسب آنها پیدا کنند. پژوهش هرچه باشد خوب است اما بدانیم که هزاران مقاله پراکنده اثر پنج مقاله مرتبط و هماهنگ و ناظر به مسائل جامعه را ندارد. اصل اساسی سیاست علم باید حفظ حرمت دانش و دانشمند و پدید آوردن شرایط هماهنگی میان علوم و کارسازی آنها در بهبود زندگی مردم و سلامتشان باشد.

از خداوند منان مسئلت دارم که به جنابعالی و همکاران گرامیتان در این کنفرانس بسیار مهم توفیق عطا فرماید تا این دقیقه حساس را روشن فرمایید که حرمت و بزرگی دانشمندان و استادانی که همه وقت خود را صرف پژوهش و نوشتن مقالات علمی می‌کنند مسلم و محفوظ است اما بر طبق قاعده‌ای که منطقیان دارند اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند. اگر فضل و دانش بسیاری از پژوهندگان مقاله‌نویس محرز است، نمی‌توان کسانی را که

در مجلات معین و فهرست‌شده مقاله نمی‌نویسند، بی‌بهره از دانش و دانایی دانست. یعنی نوشتن مقاله هرچه باشد، ملاک دانش و دانشمندی و دانایی نیست. الزام به مقاله‌نویسی هم آثار خوب و بد دارد که شاید اثر بدش بیشتر باشد. دانشمند چون دانش را دوست می‌دارد برای رو کردن به دانش نیاز به الزام ندارد و آنکه با الزام می‌خواهد به علم بپردازد، همان بهتر که نپردازد. سیاست علم باید جایگاه دانش و دانشمند را معین کند و با نظر به امکان‌هایی که در هر جا و هر کشور وجود دارد، راه پیشرفت علم و وفاق آن با زندگی را نشان دهد. علم در خدمت بازار نیست و نباید باشد اما پیوند داشتن با زندگی امر دیگری است.

رضا داوری اردکانی

رئیس فرهنگستان علوم